

## نقد دیدگاه «راهنمای قرآن کمبریج» درباره نظام تشریح در قرآن

دل آرا نعمتی پیرعلی\*

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۵

### چکیده

اساسی‌ترین پیش‌فرض خاورپژوهان در مطالعات قرآنی، غیر وحیانی بودن قرآن و تأثیرپذیری آن از محیط و فرهنگ زمانه است. بر این اساس خاورپژوهانی هم‌چون الکساندر نیش در کتاب «راهنمای قرآن کمبریج» بدون توجه به شواهد مؤید وحیانیت قرآن و بدون در نظر گرفتن زبان آن که از مبانی و شیوه‌های فهم ویژه‌ای نیز تبعیت می‌کند، به مطالعه ظاهر بینانه و ناقص در قرآن پرداخته و دریافت نادرست یا ناقص خود را به عنوان یافته‌های علمی اعلام می‌دارند. با توجه به مبانی و معیارهای فهم قرآن و با نگاهی تحلیلی - انتقادی می‌توان این مناقشات را ابطال نموده و عدم تناقض و عدم نقص در نظام تشریحی قرآن را به اثبات رساند.

**کلیدواژگان:** راهنمای قرآن کمبریج، خاورپژوهی، زبان قرآن، نظام تشریح.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (دانشیار).

## مقدمه

مروری بر آثار خاورپژوهان نشان می‌دهد که غالب آنان همواره در پی اثبات خاستگاه بشری برای قرآن کریم بوده‌اند، و اعتبار و حقانیت آن را به عنوان کتابی وحیانی مورد تشکیک قرار داده‌اند. این پیش‌فرض به همراه پیش‌فرض‌های متعاقب آن، مبنای ظهور آثار تألیفی متعددی از سوی خاورپژوهان گشته؛ از آن جمله *الکساندر نیش* پروفیسور در مطالعات اسلامی در دانشگاه میشیگان است که آثار متعددی را به رشته تحریر در آورده است. مقاله «عرصه‌های گوناگون تأثیرگذاری قرآن» در مجموعه مقالات «راهنمای قرآن کمبریج» به سر ویراستاری خانم جین دمن مک /ولیف یکی از این آثار است. او در این مقاله ضمن استناد به این پیش‌فرض، تأثیرگذاری قرآن در عرصه‌های مختلف حیات مسلمین را مورد بررسی و مناقشه قرار داده، و این ادعا را مطرح نموده است که مسلمین به منظور رفع نقص قرآن در ارائه احکام و رفع تناقض موجود در میان برخی از احکام قرآنی، به تلاش و تکاپوی علمی وادار شده و فقه اسلامی را به عنوان نظامی قانونی به ظهور رسانده‌اند.

## دیدگاه الکساندر نیش درباره وحیانیت و اثرگذاری قرآن

نیش در آغاز مقاله خود که در بخش چهارم از کتاب «راهنمای قرآن کمبریج» و با نام «عرصه‌های گوناگون تأثیرگذاری قرآن» به رشته تحریر در آمده است، به اهمیت و جایگاه بارز قرآن در حیات فردی و اجتماعی مسلمانان اشاره کرده و در اولین بحث خود، تأثیر قرآن بر واژه‌شناسی و تحول زبان عربی را مطرح می‌کند. او دوران تکامل زبان عربی را به چند دوره تقسیم می‌کند و اولین آن‌ها را آغاز اسلام و دوره نزول قرآن دانسته؛ و معتقد است به دلیل اعلام قرآن مبنی بر وحیانیت و "عربی مبین" بودن آن، زبان عربی در منظر مسلمانان وجهه‌ای الهی یافته و این نگرش، آنان را بر اهتمام بر قرآن و جلوگیری از تغییر و تحریف در آن وا داشته، و موجب ظهور دوره دوم شده است که دوره اهتمام بر رسم الخط مصحف و اعجام و اعراب آن است.

از این رو کلیه تلاش‌ها در این زمینه به نگارش اولین فرهنگ عربی توسط *خلیل بن احمد فراهیدی* انجامید. در قرن دوم هجری علم واژه‌شناسی از تمرکز بر رسم الخط رها

شده و مطالعات نحوی گسترده‌ای را شامل شد. توضیحات لغت‌شناسی و نحوی، خود پایه‌های تلاش در زمینه علم تفسیر را بنیان نهاد (نیش، ۲۰۰۶: ۲۱۰-۲۱۱).

نیش در ادامه مطرح می‌کند که در قرون هفتم و هشتم هجری، علوم زبان‌شناسی با هدف اثبات برتری قرآن از حیث بلاغت بر دیگر کتب آسمانی، گسترش یافته و این تفکر موجب گردید که دانشمندان مسلمان بدون توجه به مشکلات زبانی و ناهنجاری‌های موجود در قرآن، به آن وجهه اسرارآمیز، اعجازآمیز و روحانی ببخشند و حتی آن مشکلات را نیز شگفت‌آور و اعجازآمیز تلقی کنند (همان: ۲۱۴).

به دیگر سخن مؤلف دو نوع تأثیر را در حوزه علوم زبانی برای قرآن مطرح می‌کند:

۱- تأثیر قرآن در افزایش مطالعات زبان‌شناختی و به تبع آن ایجاد و گسترش علوم زبانی.

۲- راهبری مطالعات زبانی به سمت اثبات اعجازآمیز و وحیانی بودن قرآن و توجیه ناهنجاری‌های زبانی آن.

### پیشینه تحقیق

قدمت خاورپژوهی به معنای تحقیق درباره قرآن کریم، افکار و عقاید اسلامی به قرون وسطی می‌رسد. در قرون وسطی، انگیزه اصلی پژوهش در آثار و منابع اسلامی، ردیه‌نویسی و جلوگیری از نفوذ اسلام در اروپای مسیحی بود. ترجمه‌های لاتینی قرآن از روبرت کتونی و لودویکو مارچی، مجموعه طلیطله (یا تولدو) و نظائر آن، همگی به این قصد تدوین شده‌اند. به همین دلیل، در تمامی این آثار، ارائه تصویری ناقص و مغرضانه از متون مقدس اسلامی به‌ویژه قرآن کریم موج می‌زند. در آغاز رنسانس، در عمل و آثار کسانی چون مارتین لوتر و بعدها در فرانسه عهد انقلاب، در آثار ولتر، رویکرد متعادل‌تری برای شناخت صحیح اسلام ایجاد شد.

به تدریج در قرن نوزدهم، اسلام‌شناسی-که اینک شاخه‌ای از شرق‌شناسی به شمار می‌آید- عمدتاً در پی آن بود که تحقیقی روشمند درباره اسلام انجام دهد. در این دوره گاه حتی برخی از مستشرقین می‌کوشیدند با تحقیق در مفردات قرآنی، پاره‌ای از واژگان با ریشه مشترک از زبان‌های آرامی و عبری در تورات و انجیل را دقیق‌تر بشناسند، زیرا

می‌پنداشتند که احیاناً پیامبر اسلام(ص) به متون کهن‌تری از عهدین دسترسی داشته و برخی واژگان و تعبیر دینی خود را از آنها وام گرفته است.

اسلام‌شناسی و به‌ویژه قرآن‌پژوهی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم بر این مدار پیش می‌رفت. از میان مهم‌ترین آثار این دوره، دو کتاب تاریخ قرآن، اثر مشترک تئودور نولدکه و فردریش شوالی و مطالعات اسلامی، تألیف/یگناز گلدتسیهر قابل ذکرند که بر اینها می‌توان آثار مستشرقینی چون هورویتس، مارگلیو، برگسترسیر، گایگر، توپرتسل، اشپیتالر، آرتور جفری و ریچارد بل را نیز افزود(کریمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۳).

از قرون وسطی به این سو، آثار و پژوهش‌های خاورپژوهان، تنوع، دقت و گستردگی بیش‌تری یافته است و بی‌تردید شناخت این آثار، شیوه‌ها، موضوعات و دستاوردهای آنها موجب پویایی مطالعات قرآنی خواهد شد. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به «دائرة المعارف قرآن» اشاره کرد که از سوی انتشارات بریل در لیدن هلند و در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر شده است. سرویراستار این اثر خانم جین دمن مک اولیف، استاد دانشگاه جرج تاون آمریکا است. این اثر دارای پنج مجلد و هزار مدخل است و افزون بر آن که نوعی دیکشنری بسیار گسترده درباره اصطلاحات، مفاهیم، شخصیت‌ها، اسامی مکان‌ها و تاریخ فرهنگ قرآن است، هم‌چنین تفسیر مختصری از مطالعه تخصصی قرآن در آغاز قرن بیست و یکم به شمار می‌آید.

به عنوان نمونه مطالب برخی از مدخل‌های این اثر عبارت اند از: جمع قرآن، نویسنده، جان برتن، ج ۱، ص ۳۵۱-۳۶۱ که مشتمل بر سرفصل‌های احکام فقهی، تدوین مصحف، مصاحف صحابه، مصحف عثمانی، ... و بررسی نهایی متن قرآن می‌باشد. مدخل دیگر، تقلیدناپذیری یا اعجاز قرآن، نویسنده، ریچارد سی. مارتین، ج ۲، ص ۳۵-۵۲۶ است که مشتمل بر سرفصل‌های کلیات، قرآن و متن اسلامی در آغاز نزول، وضعیت فکری بحث و گفت‌وگو درباره قرآن در صدر اسلام و قرون وسطی، نظریات سنتی در زمینه اعجاز قرآن می‌باشد(اسکندرلو، ۱۳۸۲: ۲۶۷-۲۸۵). برخی از مقالات این اثر عبارت اند از عزت و کرامت در قرآن(رابرت ویسنوسکی، ۲۰۰۲، ج ۲: ۴۱۲-۴۱۴). رستگاری و نجات الهی در قرآن(جان رنارد، ۲۰۰۱، ج ۱: ۵۱۸-۵۱۹). هارون در قرآن (اندرو ربیین، ۲۰۰۲، ج ۱: ۱-۲).

هوا و باد در قرآن (آنتونی هرل جانز، ۲۰۰۱، ج ۱: ۵۱-۵۵). سبک و زبان قرآن (کلود ژیلیو و پی یر لارچر، ج ۳: ۱۰۹-۱۳۵) (کریمی نیا، ۱۳۸۳: ۱۰-۲۳).

یکی دیگر از آثار مهم خاورپژوهی در سال‌های اخیر کتاب «راهنمای قرآن کمبریج» است که در سال ۲۰۰۶ توسط دانشگاه کمبریج منتشر شده است. این کتاب مجموعه مقالاتی درباره قرآن کریم است، و در پنج بخش و یک مقدمه تألیف شده و به حوزه‌های مختلف مطالعات قرآنی پرداخته است. بخش نخست این اثر مشتمل بر سه مقاله از فرد دونر، کلود ژیلیو و هرالد موتسکی است که شکل‌گیری متن قرآن را مطمح نظر خود قرار داده است. بخش دوم مشتمل بر سه مقاله از دنیل مدیگان، آنجلیکا نیوورث، نوید کرمانی و ویلیام گراهام است که به محتوا و سیمای ساختاری و زیباشناختی قرآن می‌پردازد.

بخش سوم مشتمل بر دو مقاله از فرد لیمهوس، شیلا بلر و جاناتان بلوم است که به نگارش و نحوه انتشار قرآن و هنر اسلامی می‌پردازد. بخش چهارم مشتمل بر سه مقاله از جین دمن مک اولیف، الکساندر نیش و اندرو ریپین است که به تفسیر قرآن و عرصه‌های تأثیرگذاری قرآن در حیات مسلمین پرداخته است، و بخش پنجم مشتمل بر سه مقاله از آسما بارلاس، استفان ویلد و عبدالعزیز ساجدینا است که مطالعات معاصر در قرآن را مطرح کرده است. در این کتاب تلاش شده است که قرآن کتابی غیر الهی و دارای ایراد و اشکال معرفی شود، لذا به تولید و تکرار شبههاتی در مورد قرآن پرداخته است.

### سنجش و نقد

یکی از ایرادات جدی به مطالعات خاورپژوهان داشتن پیش‌فرض است که موجب می‌شود آنان با ذهنیت قبلی به بررسی اسلام و قرآن بپردازند. یکی از این پیش‌فرض‌ها و حیانی نبودن قرآن است که موجب می‌شود خاورپژوهان بدون توجه به شواهد قطعی و حیانیت قرآن، خاستگاه آن را شخصیت پیامبر اکرم (ص) دانسته و در قضاوت نسبت به تعالیم قرآن کریم به خطاهای فاحش دچار گردند. از آن جمله بی‌توجهی به زبان قرآن و شواهد موجود در قرآن مبنی بر و حیانیت و اعجاز‌آمیز بودن آن است که در این قسمت به طور اجمال تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف- آیاتی از قرآن که به وحیانی بودن الفاظ آن دلالت دارند: آیاتی که لفظ قرآن در آنها بر امر ملفوظ اطلاق شده است و همین نشانگر این است که وجه تسمیه کتاب آسمانی مسلمانان به قرآن، به دلیل وحیانی بودن و ملفوظ بودن الفاظ آن است مانند آیه

﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ (القیامه/ ۱۸-۱۷)

که واژه قرآن همانند فرقان و رجحان به صورت مصدر به کار رفته و خداوند قرائت قرآن را بر پیامبر اکرم(ص) خود به عهده گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۱۰). هم‌چنین آیاتی که از نزول قرآن بر پیامبر(ص)، به تلاوت تعبیر کرده‌اند و تلاوت یعنی پیروی حقیقی از گوینده‌ای در نقل دقیق کلمات و واژگان بکاررفته در کلام او (ابوهلال العسکری، ۱۴۲۱ه: ۴۸) آنچنان که می‌فرماید:

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلُهُ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ﴾ (البقره/ ۲۵۲)

اطلاق «کلام الله» بر قرآن کریم که در دو آیه

﴿وَلَنْ أَحَدِمَنَّ الْمَشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ﴾ (التوبه/ ۶)

۹

﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَعَانٍ لَتَأْخُذُواهَا دُونًَا تَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾ (الفتح/ ۱۵)

مطرح شده دلیل دیگری بر الهی بودن الفاظ قرآن کریم است، زیرا «کلام» در لغت به سخن انتقال‌دهنده معنی (طوسی، بی تا، ج ۲: ۳۰۲) و اصوات پشت سر هم برای رساندن معنی گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ه، ج ۱: ۳۵۱).

بنابراین مفهوم لفظ داشتن و دارای معنی بودن، در واژه «کلام» وجود دارد. هم‌چنین اطلاق واژه «قول» بر وحی نازل شده از سوی خداوند دلیل دیگری بر وحیانی بودن الفاظ قرآن کریم است زیرا قول، همان سخن ملفوظ مقارن با معناست آن‌چنان که می‌فرماید:

﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ (المزمل/ ۵)

اطلاق واژه «حدیث» بر قرآن نیز دلیل دیگری بر وحی‌انیت آن است؛ زیرا این واژه به معنی سخنی است که از طریق گوش یا وحی در بیداری یا خواب به انسان می‌رسد (راغب، ۱۴۰۴: ۵: ۱۱۰) آن چنان که می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا﴾ (الزمر/۲۳)

و احسن الحدیث به معنای احسن القول است که در آن باطلی راه ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۸۸). از این رو در آیه

﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ (الطور/۳۴)

تحدی و هم‌اوردخواهی از مخاطبان با واژه «حدیث» انجام گرفته است که خود نشان از الهی و وحیانی بودن الفاظ قرآن کریم دارد.

### ب. وجوه متعدد اعجاز قرآن

از دیرباز تحقیق و نگارش درباره اعجاز قرآن و وجوه متعدد آن، توجه مفسران، فقهاء، متکلمان و علماء اسلامی در حوزه‌های مختلف علمی را به خود جلب کرده است. حاصل این تلاش‌های علمی ظهور تألیفات متعددی است که نظر نیش را در خصوص معجزه نبودن قرآن ابطال می‌سازد؛ زیرا در این آثار دلایل فراوانی در تصدیق و تأیید اعجاز قرآن وجود دارد که به اختصار تنها به برخی از این دلایل و وجوه اشاره می‌شود.

طرح داستان امم و پیامبران پیشین با شکلی منزّه از خرافه و کفر و به صورتی عقلایی همراه با بیانی شیوا و نظمی کامل با این توجه که پیامبر اکرم (ص) درس ناخوانده بود:

﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا﴾

(هود/۴۹)

وجه اعجاز تاریخی قرآن کریم است که آن را از کتب پیشین نظیر تورات متمایز می‌سازد (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۹-۱۰). علاوه بر اینکه توجه به ساختار و محتوای داستان‌های کتاب مقدس و تورات، وجوه تمایز فراوان قرآن کریم را از حیث منزّه بودن از خرافات و مطالب کفرآمیز و بی‌نظمی در بیان آشکار می‌سازد، که این خود دلیل محکمی بر وحی‌انیت قرآن و عدم تأثیرپذیری پیامبر اکرم از متون کهن ادیان پیش از

اسلام است. هم‌چنین احتجاجات قرآن در موضوعات اثبات وجود خدا و لوازم الوهیت او، علم، قدرت و توحید خداوند و نیز معاد و وحیانیت قرآن به صورتی منزه از هرگونه خلل و نقص شناختی و ادبی یا شائبه اختلاف و تناقض، آن هم به زیباترین روش و نافع‌ترین صورت، وجه اعجاز قرآن در احتجاج است که اگر با اغلاط و تناقضات موجود در اناجیل کنونی و دیگر کتب عهد قدیم و جدید مورد مقایسه قرار گیرد وحیانیت آن به اثبات می‌رسد (همان، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۱-۱۲).

ورود بدون اختلاف و ناهماهنگی و ناسازگاری قرآن به شوون مختلف زندگی بشر و اشتغال آن بر موضوعات زمینی و آسمانی وجهی دیگر از اعجاز قرآن کریم است (خوئی، ۱۴۰۴: ۶۸) که بدون کوچک‌ترین خطا و لغزش و اختلاف و فساد مضمون و سخافت بیان و بی‌پایگی برهان، بهترین اهداف را در ابواب فلسفه، سیاست، خطابه، اخلاق، علم لاهوت، قانونگذاری مدنی و... پی گرفته است:

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

طرح قانون توازن:

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونًا﴾ (الحجر/ ۱۹)

قانون تلقیح گیاهان:

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ﴾ (الحجر/ ۲۲)

قانون زوجیت در عالم:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾

(یس/ ۳۶)

بیان حرکت کره زمین:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا﴾ (طه/ ۵۳)

حرکت کرات در مدار معین:

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (الانبیاء/ ۳۳)

تنها برخی از مصادیق اعجاز علمی قرآن کریم می‌باشند (خوئی، ۱۴۰۴: ۷۰-۷۶). تناسب، تساوی و هماهنگی در تعداد کلمات و موضوعات شبیه و مغایر با هم در قرآن، وجه اعجاز عددی قرآن کریم است؛ به گونه‌ای که هیچ بشری بر آوردن کتابی که از نظر



معنی و محتوا، این چنین متعالی بوده و در میزان کلمات آن نیز رعایت تناسب شده باشد، به گونه‌ای که عدد آن هم مناسب باشد، قادر نیست به‌ویژه آنکه این تناسب شگفت‌انگیز در شرایطی فراهم شده که قرآن در طول ۲۳ سال در شرایط گوناگون نازل شده است.

### دیدگاه الکساندر نیش درباره نظام تشریح قرآن

یکی دیگر از پیش‌فرض‌های مستشرقین، عدم پذیرش رسالت پیامبر اسلام و تأکید بر تأثیرپذیری آن حضرت از فرهنگ زمان و محیط اطراف است. بر این اساس الکساندر نیش در بخش دیگری از مقاله خود که تأثیر قرآن بر علم فقه را مورد بررسی قرار داده است به این پیش‌فرض اشاره کرده، و متن قرآن را انعکاس‌دهنده تکامل تدریجی بینش پیامبر(ص) از یک انذاردهنده تا یک پیامبر صاحب شریعت مستقل، توصیف می‌کند(نیش، ۲۰۰۶: ۲۱). بر اساس این پیش‌فرض‌ها الکساندر نیش به صراحت مطرح می‌کند که قرآن نظام جامع تشریحی ارائه نکرده و در بیان برخی از احکام نظیر احکام مربوط به مشروبات الکلی، دچار تناقض شده و درباره برخی از موارد، حکم مجازاتی قابل اعمالی ارائه نکرده است. نظیر تهدید به عذاب آخرت برای کسانی که اموال ایتام را پایمال ساخته و تصاحب می‌کنند.

او تأثیر قرآن بر فقه را از این جهت می‌داند که به دلیل عدم ارائه نظام جامع فقهی، صحابه و تابعین را پس از رحلت پیامبر(ص) واداشت تا یک نظام قانونی مبتنی بر قرآن را وضع کنند، از این رو اصطلاحات حلال و حرام، مکروه و مباح و مستحب و واجب را وضع کردند که نیازمند تخصص و استنباطی خاص بود. این نظام قانونی اصطلاحاً «فقه» نام گرفت(همان: ۲۱۵-۲۱۶). به عبارت دیگر مؤلف بر اساس پیش‌فرض‌های خود و بدون توجه به نظام و شیوه گفتاری قرآن کریم در جایگاه متنی و حیانی، نقص قرآن در ارائه احکام را عامل ظهور و تکامل فقه اسلامی معرفی می‌کند.

## سنجش و نقد

مؤلف در این بخش از مقاله یک پیش فرض و یک ادعا را مطرح نموده است که به ترتیب به سنجش و نقد آن‌ها می‌پردازیم.

تعبیر دیگر این پیش فرض، تأثیرپذیری متن قرآن از محیط و فرهنگ زمان است. قرآن از محیط و فرهنگ زمان تأثیری کامل یافته و در قبال آن منفعل است. این همان پیش فرض خاورپژوهان است که مبتنی بر پیش فرض غیر وحیانی بودن قرآن است که برای اثبات آن، در بحث از آیات و سور مکی و مدنی چنین مطرح می‌کنند که این آیات و سور از جنبه‌های مختلف از جمله تشریح احکام، پیوند و ارتباطی، با یکدیگر ندارند، علت آن هم بینش و شخصیت پیامبر اسلام(ص) است که بر حسب اقتضات محیط، در حال تغییر و تکامل بوده است و بر این اساس نتیجه می‌گیرند که چون پیامبر(ص) در محیطی «امّی» زندگی می‌کرد، آیات و سور مکی فاقد تشریح اند. در حالیکه آیات و سور مدنی به این دلیل که پیامبر(ص) در مدینه با اهل کتاب که اهل علم و فرهنگ بوده‌اند تعامل داشته و تحت تأثیر فرهنگ و معارف آنان قرار گرفته است مشتمل بر تشریح می‌باشد. این ادعا با استناد به آیات قرآن کریم قابل ابطال است. آیاتی که نشان می‌دهند قسم مکی به طور کلی خالی از تشریحات نبوده، بلکه متضمن اصول کلی و رؤوس مطالب در تشریح است مانند آیات ۱۵۱-۱۵۲ از سوره انعام، و آیاتی که در خصوص تشریحات اهل کتاب و تقیدات آن‌ها، مناقشاتی را مطرح کرده‌اند و این دلالت می‌کند که قرآن کریم پیش از دوره مدینه، نسبت به آن‌ها احاطه داشته است.

## ادعای نقص در نظام تشریح قرآن

الکساندر نیش نقص در نظام تشریحی قرآن را از سه وجه مطرح کرده است: عدم اشتغال بر جزئیات تفصیلی احکام؛ وجود تناقض در برخی از احکام نظیر احکام مربوط به مشروبات الکلی؛ عدم ارائه مجازات‌های قابل اجرا برای برخی از اعمال تحریم شده (نیش، ۲۰۰۶: ۲۱۵-۲۱۶) که در این قسمت به بررسی و نقد این وجوه می‌پردازیم:

## عدم اشتغال بر جزئیات احکام

قرآن کریم در جایگاه آخرین وحی آسمانی از ویژگی‌هایی برخوردار است، که عدم اشتغال بر جزئیات احکام نتیجه قهری این ویژگی‌های زبانی است که به اختصار مطرح می‌شود.

### الف- پیوستگی متن

قرآن کریم با آیه «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (الحجر/ ۹۱) تفسیرگری آیات قرآن نسبت به یکدیگر را مطرح کرده و خود را متنی پیوسته معرفی می‌کند. بر این اساس تمام معارف قرآن دارای پیوندی منطقی و هماهنگ هستند که برای دریافت تصویر کامل درباره هر یک از آن‌ها از جمله فلسفه شریعت و احکام تفصیلی، راهی جز این نیست که آیات مختلف مربوط به هر موضوع در کنار هم و هم‌چون اعضای یک پیکر مورد توجه قرار گیرند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۴۲۴). بنابراین توجه به آیات مربوط به یک موضوع به صورت منقطع و بی توجهی به پیوستگی آن‌ها، یکی از عوامل خطا در تلقی مفاهیم و تعالیم قرآن کریم است.

### ب- بهره‌مندی از لایه‌های معنایی متعدد

مؤلفه اصلی این ویژگی آن است که تمام آیات قرآن در عین برخوردار بودن از زبان ظاهر، مشتمل بر زبان باطن نیز هست (همان: ۱۷۷-۱۸۹) که در روایات ائمه (ع) به این ویژگی ساختاری قرآن با تعبیر «وجه» اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۹۱). این معنی را آیه

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ الشَّيْطَانُ زُبْدًا رَائِبًا...﴾ (الرعد/ ۱۷)

نیز مطرح می‌کند، زیرا خداوند در این آیه افاضه‌های آسمانی را به بارانی تشبیه فرموده است و چنانکه این مثل اشاره می‌کند، ظرفیت افهام مردم در فراگرفتن این معارف که حیاتبخش درون انسان‌ها هستند متفاوت است (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۸۴). علامه طباطبائی معتقد است که تعبیرهای قرآنی نسبت به بطونی که دارند جنبه مثل دارند؛ ایشان جنبه تمثیلی زبان قرآن را به عنوان اصل کلی می‌پذیرد و آن را به کمک آیاتی تأیید می‌کند:

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (العنكبوت/ ۴۳)

و معتقد است که استفاده از مثل ساز و کار قرآن برای بیان معارف عالی است. علمای دیگری هم چون علامه فضل الله معنای باطنی قرآن را معنای باز به صورت کلی نسبت به آینده می‌دانند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱: ۹-۱۸) و معتقدند قرآن در مواردی که نازل شده منجمد نمی‌شود، بلکه به صورت قاعده‌ای کلی در موارد مشابه از حوادث جدید در زندگی بشر امتداد می‌یابد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۸۸). علاوه بر اینکه نبایستی نقش سیاق در فهم قرآن و تبیین مجمل، تعیین محتمل، تخصیص عام و تقيید مطلق، تنوع معنا، تعیین مصادیق و کشف دلالت‌های پنهان آیات را فراموش کرد که خود عامل مهمی در ایجاد لایه‌های معنایی متعدد است.

### ج- نامحدود بودن مخاطب

بهره‌مندی از لایه‌های معنایی متعدد، نتیجه قهری دیگری را در پی دارد که عبارت است از فایده‌مندی همگانی و فرا تاریخی بودن. به عبارت دیگر می‌توان گفت قرآن به واسطه بهره‌مندی از این ویژگی محکوم تاریخت نیست (مطهری، بی تا، ج ۲: ۱۶).

### د- وضع قوانین در چارچوب قضایای حقیقیه

بهره‌مندی از لایه‌های معنایی متعدد و نامحدود بودن مخاطب قرآن، مبتنی بر این ویژگی است که قرآن کریم قوانین خود را در چارچوب قضایای حقیقیه مطرح نموده است.

قضایای حقیقیه قضایایی هستند که موضوع‌شان عنوانی کلی است و افراد خاصی را شامل نمی‌شوند؛ از این رو فرازمانی هستند (داعی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۴)؛ لذا می‌توان گفت که قوانین قرآن کریم در انطباق با زندگی متغیر انسان که به اقتضای طبیعت آفرینشی خود تطورپذیری مطلق نداشته و دارای جنبه‌های کلی و چارچوب‌های پایدار است، هر دو جنبه ثابت و متغیر زندگی انسان را پیش‌بینی کرده است (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۹: ۳۲۴-۳۲۶) و این موجب گشوده‌شدن باب اجتهاد است که از عوامل تضمین‌کننده خاتمیت دین اسلام است. زیرا در پرتو آن، حکم مسائل و حوادث جدید همواره از قواعد کلی و قضایای حقیقیه استنباط می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

## ه- شیوه‌های متنوع بیان احکام

بنای قرآن بر بیان مشخص، صریح و مفصل همه احکام با تمام جزئیات نیست زیرا قرآن کریم در قالب اسلوب‌های مختلف، اهداف متعددی نظیر بیان اصول اعتقادی، بیان فرجام کار، توجه دادن به فلسفه حکم، توجه دادن به اخلاقیات و از همه مهم‌تر عادت دادن مخاطب به تفکر و تدبیر را پی می‌گیرد. از این رو یک حکم یا اصول کلی آن حکم را در قالب‌های متعدد و متنوع بیان می‌کند؛ به عنوان مثال در برخی از آیات، حکم به صراحت مطرح شده و بدون انضمام به آیات دیگر قابل استنباط است (سیوطی، ۱۳۸۷ش، ج ۲: ۴۰۸-۴۰۹). نظیر صحت روزه جنب:

﴿أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾ (البقره/۱۸۷)

برخی از احکام با انضمام به آیات دیگر استنباط می‌شوند نظیر استنباط اینکه کم‌ترین مدت حمل، شش ماه است:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ﴾ (لقمان/۱۴)

گاه احکام در قالب فعل امر:

﴿وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (البقره/۴۳، المائده/۱)

یا جمله خبری:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ﴾

(النحل/۹۰)

و یا به صورت فعل نهی:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الاسراء/۳۶)

مطرح می‌شوند، و گاه خوب و بد یا مصلحت و مفسده چیزی مطرح شده و صریحاً یا تلویحاً ترک یا انجام آن مطرح می‌شود:

﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ﴾

(البقره/۱۷۷)

و گاه با فعل نفی، نهی مطرح می‌شود:

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (الواقعه/۷۹)

که بدون تردید بکاربردن هر یک از این قالب‌های بیانی علاوه بر تشریح، اهداف دیگری را تأمین می‌کند.

### و- نیازمندی به مفسر و مبین

قرآن به خاطر ویژگی‌های خاص زبانی، به تفسیر و تبیین نیازمند است و به این حقیقت چنین تصریح می‌کند:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل/۴۴)

قرآن کریم گاه داوری پیامبران را بیان می‌کند:

﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ (البقره/۲۱۳،

النور/۵۱)

و گاه اطاعت از پیامبر را با اطاعت از خداوند برابر دانسته:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (النساء/۸۰)

و آن حضرت را الگوی حسنه معرفی نموده:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ..﴾ (الاحزاب/۲۱)

### وجود تناقض در احکام مربوط به مشروبات الکلی

استنتاج از قرآن به معنی به نطق در آوردن قرآن و کسب فهم جدید از متن قرآن است؛ اما با شرط عدم تحمیل مفروضات بشری و پیش‌فرض‌های بیرونی بر قرآن و تبعیت از مبانی فهم و شیوه‌های تفسیر قرآن کریم (صادقی تهرانی، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۷). بر این اساس می‌توان اذعان داشت که تحمیل پیش‌فرض‌ها بر قرآن و عدم توجه به مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم، موجبات بروز توهم اختلاف و تناقض در برخی آیات قرآن کریم می‌شود. برخی از مهم‌ترین مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم عبارت‌اند از اهتمام بر یافتن مفاهیم صحیح واژگان، توجه به سیاق، توجه به مقام سخن و نیز توجه به نزول تدریجی قرآن و توجه تأثیرگذار آن بر اجتماع عصر نزول.

تمامی این مبانی در دریافت مفهوم صحیح آیات مربوط به شراب و نحوه تحریم آن، تأثیر داشته و توجه به آن‌ها موجب رهیافت به حقیقت این آیات می‌گردد. به عنوان مثال برای درک مفهوم صحیح واژگان در این آیات، بایستی به دلالت‌های آیات توجه نمود،

زیرا درک مفاهیم صحیح واژه‌ها منوط به برداشت صحیح از مدالیل آیات است چراکه آیات قرآن نیز نظیر دیگر الفاظ دلالات سه‌گانه مطابقی (دلالت لفظ بر تمام معنای موضوع له)، تضمینی (دلالت لفظ بر جزئی از معنای موضوع له) و التزامی (دلالت لفظ بر معنای خارج از موضوع له که با آن رابطه‌ای دارد) (المظفر، ۱۳۸۸: ۳۷-۴۰) را دارا هستند و در کنار دلالت‌های مطابقی، گاه به صورت تضمینی و گاه به صورت التزامی، مفاهیم و مدالیلی را به دست می‌دهند که توجه به آن‌ها ضرورت دارد (نصیری، ۱۳۸۶: ۵۳۵).

انطباق سخن بر اقتضات مقام، از نشانه‌ها و از شروط بلاغت سخن است؛ زیرا عناصر کلام و مختصات آن ارتباطی وثیق با مقام القاء سخن دارند. لذا مختصات کلامی که در مقام تشریح القاء شده با مختصات کلامی که در مقام ارشاد یا تهدید و یا تهویل بیان شده است قطعاً متفاوت است. از این رو توجه به مقام سخن و مختصات کلام، عاملی مهم در دریافت صحیح پیام آیات قرآن کریم است، همان‌گونه که توجه به سیاق آیات نیز در رهیافت به حقیقت آیات نقشی اساسی ایفاء می‌کند. به عبارت دیگر فهم قرآن صرفاً محصول فهم کلمات و ساختار آیات نیست. زیرا مفهوم آیه حاصل جمع جبری معانی کلمات با توجه به ساختار آن‌ها نیست. به همین دلیل برای فهم نص قرآن به اطلاعاتی بیش از اطلاعات زبانی نیاز است (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۱۴).

لحاظ نمودن ارتباط و پیوستگی آیات به همراه توجه به مقام و موقعیت کلام و توجه به روایات و احکام عقل، به تعبیر دیگر، تفسیر قرآن با قرآن و روایات و عقل از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به فهم صحیح قرآن است. *الکساندر نیش* با تأکید بر آیه ۱۰ از سوره النساء بدون توجه به سیاق این آیه و نیز بدون توجه به سیاق آیات هم موضوع در قرآن، برداشتی ناقص و درکی نادرست از آن را ارائه نموده است که در این قسمت به اجمال نگرش او را مورد نقد قرار می‌دهیم.

#### الف- مقام و سیاق آیات ۹ و ۱۰ سوره مبارکه نساء

بر اساس روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام وارد شده این آیات عقوبت دنیوی و اخروی را برای ضایع‌کنندگان مال یتیم مطرح می‌کنند:

﴿وَلِيُخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَ كُؤُومًا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا

سَدِيدًا﴾ (النساء/۹)

این آیه در مقام بیان تأثیر وضعی اعمال در دنیا است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۷: ۱۰۴) و لذا در مقام تهویل و تهدید مردم است و گوشزد می‌کند که هرگونه مصائبی که برای ایتام دیگران فراهم می‌آورند، به ایتام خودشان برمی‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۱۸). آن چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به یتیمی ظلم کند، خداوند کسی را بر او مسلط می‌کند که بر او یا فرزندش یا فرزند فرزندش ظلم روا دارد» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۳۸).

خداوند در ادامه این آیه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾

(النساء/۱۰)

که در حقیقت در مقام تهویل و تهدید نسبت به عقوبت اخروی تصرف ناحق در مال یتیم می‌باشد.

### ب- سیاق آیات هم‌موضوع

اکل مال یتیم و تصرف به ناحق در آن، یکی از مصادیق آیه

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ (البقره/۱۸۸)

و یکی از موارد غصب می‌باشد (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱: ۴۶۷) که در لسان امام باقر (ع) به «سحت» تعبیر شده است (کلینی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۱۲۶). سحت در لغت کار حرامی است که مایه ننگ صاحب‌اش شود (مفردات، ۱۴۰۴: ۲۲۵). از این رو به مال حرام که موجب هلاکت و استیصال و فساد شخصیت انسان می‌شود سحت گفته می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۴۴). از این رو اکل مال یتیم تحت حکم غصب و سحت قرار می‌گیرد که آیات متعددی از قرآن به آن پرداخته‌اند.

### نتیجه بحث

جریان اسلام شناسی و به طور خاص قرآن پژوهی سابقه تاریخی طولانی داشته و از قرون وسطی تا کنون امتداد یافته است. در این جریان، به طور روشن دو جریان فکری



قابل بازیابی است. جریانی که با انگیزه و هدف ردّ و ابطال قرآن کریم به تولید آثاری دست یازیده است که تصویری ناقص و نازیبا از قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی ارائه کرده است و جریان دیگری که با رویکرد متعادل تری در پی تحقیقی روشمند درباره اسلام بوده است.

اما حتی این جریان فکری هم در ارائه تصویری واقعی از اسلام و قرآن توفیقی نیافته است. مهم‌ترین عوامل مؤثر در ناکامی این جریان، پیش‌فرض‌های حاکم بر آن است. یکی از این پیش‌فرض‌ها، وامدار بودن متن قرآن از کتب مقدس پیشین به دلیل دسترسی داشتن پیامبر اسلام به متون کهن عهدین می‌باشد. بنابراین قرآن پژوهی و تحقیق در مفردات قرآنی تا نیمه نخست قرن بیستم بر این اساس ادامه یافته و تلاش می‌کرد که مفردات قرآن را به گونه‌ای به متون عهدین ارتباط دهد.

به تدریج پژوهش‌های قرآنی خاورپژوهان از دقت، تنوع و گستردگی قابل توجهی بهره‌مند گردید اما هم‌چنان دیدگاه حاکم بر این پژوهش‌ها، مبنی بر غیر وحیانی بودن قرآن، مهم‌ترین عامل در عدم ارائه چهره صحیح از قرآن شده است، زیرا تکیه و تأکید بر این پیش‌فرض موجب شده که قرآن پژوهان بر شواهد و مؤیدات فراوان وحیانیت قرآن چشم بسته و در دامان قرائت سطحی، ظاهری و ناقص از قرآن گرفتار آیند و متعاقب آن به بی توجهی نسبت به زبان خاص قرآن و مختصات آن و عدم التزام بر مبانی و معیارهای فهم و تفسیر قرآن دچار شده و بدون توجه به پیوند میان تعالیم قرآن، سیاق آیات، لایه‌های معنایی متعدد، فرا عصری بودن زبان و نامحدود بودن مخاطب آن، از روش زیر بنایی تشریح در قرآن که عبارت از وضع قوانین در چارچوب قضایای حقیقیه است، غافل مانده و نیازمندی تفصیل و تفسیر این قضایا به سنت و عقل و اجماع در طول زمان را که خود موجب انعطاف پذیری قوانین قرآن می‌گردد، نقص در نظام تشریح قرآن قلمداد نمایند.

غافل از آنکه ظرفیت معنایی پایان ناپذیر که تحت اصول ثابت، قابلیت تطبیق با زمان را داشته و قادر است که با اندیشه ورزی انسان، معارف دینی جدید و هماهنگ با رشد بشر را ارائه دهد، از وجوه اعجاز تشریحی در قرآن کریم است و نه نقص در تشریح. از این رو می‌توان ادعان داشت که توهم تناقض در آیات و احکام مربوط به مشروبات الکلی به

دلیل تکیه بر ظاهر قرآن و عدم توجه به مختصات خاص زبان قرآن به وجود آمده است و به همین ترتیب ادعای نقص در احکام مربوط به مجازات اکل مال یتیم، به دلیل بی‌توجهی به اقتضات مقام و سیاق کلام و دیگر مختصات زبان قرآن به وجود آمده است. بر این اساس می‌توان گفت که نظام تشریحی قرآن نه تنها دچار نقص و یا تناقض نیست بلکه از وجوه قوی در اثبات اعجاز قرآن و وحی‌انیت آن است.



## کتابنامه

### قرآن کریم.

الباقلائی. ۱۴۰۶ق، اعجاز القرآن، تحقیق شیخ عمادالدین احمد الحیدری، الطبعة الاولى، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.

بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.

خوئی، سید ابوالقاسم. ۱۴۰۱ق، البیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثامنة، قم: انوار المهدی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الثانية، قم: دفتر نشر کتاب.

سبحانی، جعفر. ۱۳۸۹، منشور عقاید امامیه، چاپ ششم، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سعیدی روشن، محمدباقر. ۱۳۸۹، زبان قرآن و مسائل آن، چاپ اول، تهران: سمت.

صادقی تهرانی، محمد. ۱۳۸۵، نقدی بر دین پژوهی فلسفه معاصر، چاپ اول، تهران: امید فردا.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

فضل الله، سید محمدحسین. ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

المظفر، شیخ محمد رضا. ۱۳۷۰، المنطق، الطبعة الخامسة، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.